

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده حقوق و علوم سیاسی

موضوع:

**بررسی نقش نظام سیاسی در گسترش و نهادینه شدن
احزاب سیاسی در ایران (دوره جمهوری اسلامی)**

نگارش:

سمیرا شیری

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر ابوالحسنی

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر ملک محمدی

پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی

تیرماه ۱۳۹۰

تقدیم بہ

پدر و مادر و لسوزم

و

ہمسفر نمبر بانجم

تقدیر و شکر

باتقدیر و شکر از اساتذراہنمای محترم و کرامی ام، جناب آقای دکتر ابوالحسنی کہ، بمحون پدری
دلسوز، مراد نگاشتن این پایان نامہ ہمراہی کردند و بارہنمایی ہای ارزندہ می خویش افق روشنی را
در برابر دیدگانم گشودند.

ہم چنین بہ رسم ادب و احترام، ابراز مراتب قدردانی و سپاس را از اساتید محترم مشاور جناب
آقای دکتر ملک محمدی و استاد محترم داور جناب آقای دکتر حوادی رامی نمایم.

چکیده

احزاب سیاسی رابطه مستقیمی با ساختار حقوقی موجود در هر کشور دارند چرا که یکی از نهادهایی که فعالیت احزاب سیاسی در آن مهم تلقی می شود، انتخابات و قانون اساسی هر کشور است. یک نظام سیاسی به چند طریق در حوزه ی احزاب می تواند نقش آفرین باشد. قوانین حاکم نظام سیاسی، ساختارها و رویه های حکومتی حاکم در نظام سیاسی کشور ابزارهای اثرگذاری نظام سیاسی بر گسترش و نهادینه شدن احزاب سیاسی در یک کشور است.

این پژوهش در پی آن است که نقش ساختار سیاسی و حقوقی را در گسترش و نهادینه شدن احزاب سیاسی بررسی کند و به همین دلیل تحلیل قانون انتخابات از نظر حزبی بودن مهم تلقی شده و مورد نظر این پژوهش است.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
فصل اول: کلیات طرح پژوهشی	
۴	بیان مسئله
۶	اهداف پژوهش
۶	مفروضات
۶	سوال
۷	فرضیه اصلی
۷	فرضیه رقیب
۷	فرضیات فرعی
۷	متغیرها
۸	تعاریف مفاهیم
۱۲	روش تحقیق
۱۳	ادبیات موضوع

فصل دوم: کلیاتی پیرامون احزاب سیاسی

۲۲	مقدمه
۲۲	گفتار اول: اهداف حزب
۲۳	گفتار دوم: کارویژه احزاب
۲۴	بند اول: کارویژه های آشکار احزاب
۲۴	الف- کارویژه های انتخاباتی
۲۵	۱- شکل دادن به افکار عمومی
۲۵	۲- گزینش نامزدها
۲۶	۳- برنامه ریزی و هماهنگی انتخاب شدگان
۲۶	ب- کارویژه های آموزشی و اجتماعی
۲۷	۱- اطلاع رسانی
۲۸	۲- آموزش نظری و عملی توده ها و مشارکت سیاسی
۲۸	۳- ادغام اجتماعی
۲۹	ج- کارکردهای سیاسی
۳۰	بند دوم: کارکرد های پنهان

۳۱	گفتار سوم: استراتژی احزاب
۳۳	بند اول: مبارزه باز و مبارزه پوشیده
۳۶	بند دوم: مبارزه در رژیم و مبارزه با رژیم
۳۷	بند سوم: شکل های مبارزه با حکومت
۳۸	گفتار چهارم: انواع حزب
۳۸	تقسیم بندی اول: بر اساس استراتژیهای سیاسی و مبارزاتی:
۳۸	۱- راست و چپ
۳۹	۲- انقلابی و اصلاح طلبی چپ
۴۰	۳- افراطیون و میانه روهای دست راستی
۴۰	تقسیم بندی دوم: بر اساس برنامه
۴۰	حزب مصلحت گرا و حزب برنامه دار
۴۱	تقسیم بندی سوم: بر اساس فرآیند عضویت
۴۱	حزب مستقیم و حزب غیر مستقیم
۴۲	تقسیم بندی چهارم: بر اساس کیفیت اعضا
۴۲	حزب عوام و حزب خواص
۴۴	تقسیم بندی پنجم: بر اساس فرآیند تصمیم سازی
۴۴	حزب متمرکز و حزب غیرمتمرکز
۴۵	تقسیم بندی ششم: بر اساس ایدئولوژی سیاسی
۴۵	حزب دمکرات (کثرت گرا) و حزب توتالیترا (اقتدارگرا)
۴۶	نتیجه گیری

فصل سوم: انتخابات؛ نظام های انتخاباتی و نظام های حزبی

۴۸	مقدمه
۵۲	گفتار اول: معیارهای بین المللی انتخابات آزاد
۵۳	بند اول: حقوق و مسئولیت اشخاص و احزاب سیاسی
۵۴	بند دوم: حقوق و مسئولیت های دولت ها
۵۶	گفتار دوم: نظام های انتخاباتی
۵۶	بند اول: نظام انتخاباتی اکثریتی و گونه های مختلف آن
۵۶	الف- گونه های مختلف نظام های اکثریتی بر اساس تکرار مراحل انتخابات
۵۶	انتخابات اکثریتی یک مرحله ای
۵۷	انتخابات چند مرحله ای
۵۸	۱- اکثریت نسبی در دور دوم
۵۸	۲- محدود کردن انتخاب شوندها در دور دوم

۵۸	۳- محدود کردن هر چه بیشتر نامزدهای دور دوم.....
۵۹	۴- تک رأی قابل انتقال.....
۵۹	اقسام نظام انتخاباتی اکثریتی بر اساس نحوه تقسیم بندی.....
۵۹	۱- حوزه های انتخاباتی.....
۶۰	۲- نظام اکثریتی در حوزه های چند کرسی.....
۶۱	مزایا و معایب نظام اکثریتی.....
۶۱	بند دوم: نظام انتخاباتی تناسبی.....
۶۱	رویکرد های مختلف نسبت به نظام تناسبی.....
۶۳	مزایا و معایب نظام انتخاباتی تناسبی.....
۶۳	الف- مزایا.....
۶۳	ب- معایب.....
۶۴	بند سوم: نظام انتخاباتی مختلط.....
۶۵	گفتار سوم: نظام های حزبی.....
۶۵	بند اول: نظام های رقابتی.....
۶۷	بند دوم: نظام غیررقابتی یا تک حزبی.....
۶۷	گفتار چهارم: تأثیر نظام های انتخاباتی بر شمار احزاب سیاسی.....
۶۹	نتیجه گیری.....

فصل چهارم: الگوی تحلیل

۷۱	مقدمه.....
۷۱	گفتار اول: نظریه ساختار- کارگزار.....
۷۳	بند اول: ساختارگرایی.....
۷۴	بند دوم: اراده گرایی.....
۷۵	بند سوم: نظریه ساخت یابی.....
۷۷	گفتار دوم: رابطه ساختار حقوقی (قانون) با سیاست.....
۸۰	گفتار سوم: مبانی وضع احزاب در قانون اساسی و قانون انتخابات.....
۸۲	بند اول: مبانی و منابع وضع قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.....
۸۳	الف- اندیشه های حضرت امام خمینی(ره).....
۸۵	ب- تأثیر قانون اساسی دیگر کشورها.....
۸۷	ج- تأثیر تشکیل مجلس خبرگان بر قانون اساسی.....
۸۷	۱- ضرورت تشکیل مجلس خبرگان.....
۸۷	۲- انتخابات مجلس خبرگان.....
۸۹	۳- ترکیب مجلس خبرگان.....

بند دوم: مبنای وضع احزاب در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.....	۹۱
الف) احزاب سیاسی در دیدگاه امام خمینی (ره).....	۹۱
ب-خبرگان قانون اساسی و اصل سی ام.....	۹۳
ج) قانون اساسی و احزاب.....	۹۴
گفتار سوم: موافقان و مخالفان طرح فعالیت احزاب (۱۲ اسفند ۱۳۵۹).....	۹۵
گفتار چهارم: موانع فعالیت احزاب در ایران: با تأکید بر قانون انتخابات.....	۹۹
بند اول: شکل دادن به افکار عمومی.....	۱۰۲
بند دوم: گزینش نامزدها.....	۱۰۴
بند سوم: برنامه ریزی و هماهنگی انتخاب شدگان (نمایندگان مجلس یا رئیس جمهور).....	۱۰۶
بند چهارم: نظارت احزاب.....	۱۰۷
گفتار پنجم: کار گزاران انتخاباتی در جمهوری اسلامی.....	۱۰۹
بند اول: شورای نگهبان.....	۱۰۹
الف- مفهوم نظارت و انواع آن.....	۱۱۰
ب- نظارت استصوابی شورای نگهبان.....	۱۱۰
ج- نظارت قانونی.....	۱۱۲
بند دوم: وزارت کشور.....	۱۱۳
بند سوم: احزاب و جریانات سیاسی.....	۱۱۴
نتیجه گیری.....	۱۱۵

فصل پنجم: احزاب سیاسی، مجلس و انتخابات در ایران (دوران بعد از انقلاب اسلامی)

مقدمه.....	۱۱۸
گفتار اول: مروری بر احزاب و فعالیتهای آنها در جمهوری اسلامی ایران.....	۱۱۸
بند اول: ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۰.....	۱۱۸
الف- جریان چپ.....	۱۱۸
ب- جریان لیبرال و ملی گرا.....	۱۱۹
ج- جریان مذهبی.....	۱۱۹
۱- حزب جمهوری اسلامی.....	۱۲۰
۲- جامعه روحانیت مبارز تهران.....	۱۲۱
۳- سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی.....	۱۲۲
بند دوم: از سال ۶۰ تا ۱۳۷۶.....	۱۲۳
الف: جامعه روحانیت مبارز و تشکل های همسو با آن.....	۱۲۶
ب: حزب کارگزاران سازندگی.....	۱۲۸
ج- جمعیت دفاع از ارزش های اسلامی.....	۱۲۹

۱۲۹.....	بند سوم: خرداد ۷۶ تا ۱۳۸۴ :
۱۳۰.....	شکل گیری جبهه دوم خرداد
۱۳۰.....	۱. حزب مشارکت ایران اسلامی.....
۱۳۱.....	۲. حزب همبستگی ایران اسلامی.....
۱۳۱.....	۳-مجمع نیروهای خط امام.....
	گفتار دوم: هفت دوره انتخابات مجلس در جمهوری اسلامی ایران:تاریخچه و گرایش‌های سیاسی
۱۳۳.....	احزاب.....
۱۳۳.....	بند اول: تاریخچه هفت دوره مجلس اول بعد از انقلاب اسلامی.....
۱۳۷.....	بند دوم (گرایش‌های سیاسی احزاب و گروه‌های سیاسی در هفت دوره مجلس.....
۱۳۷.....	مجلس اول.....
۱۳۷.....	۱-جناح اسلام فقهاتی.....
۱۳۸.....	۲-جناح لیبرال، ملی -مذهبی.....
۱۳۸.....	۳- طرفداران رئیس‌جمهور ابوالحسن بنی‌صدر.....
۱۳۹.....	مجلس دوم.....
۱۴۰.....	مجلس سوم.....
۱۴۱.....	مجلس چهارم.....
۱۴۳.....	مجلس پنجم.....
۱۴۴.....	مجلس ششم.....
۱۴۷.....	مجلس هفتم.....
۱۴۹.....	گفتار سوم: مقایسه فعالیت احزاب در انتخابات مجلس دوره های ششم و هفتم.....
۱۵۸.....	نتیجه گیری.....
۱۶۲.....	منابع.....

مقدمه

یکی از مؤلفه های توسعه سیاسی، رشد و بالندگی احزاب سیاسی در بستر جامعه مدنی یک کشور است. جایگاه احزاب در قانون اساسی، قوانین موضوعه و ساختار حکومتی اعم از نظام انتخاباتی، شکل گیری دولت ها و پارلمان، خود نشان دهنده تأثیر پذیری احزاب از حاکمیت و بالعکس اثرگذاری احزاب بر روند پویایی و یا میرایی یک سیستم است.

مروری بر فعالیت احزاب سیاسی در نظام جمهوری اسلامی ما را به این سوق می دهد که احزاب در ایران پس از گذراندن فراز و نشیب های بسیار در زندگی سیاسی خود هر از چندگاهی در آستانه انتخابات با گشایش تصنعی فضای سیاسی سر بر می آورند و پس از پایان آن به سکوت فرو می روند.

یک نظام سیاسی به چند طریق در حوزه احزاب می تواند نقش آفرین باشد. قوانین حاکم نظام سیاسی، ساختارها و رویه های حکومتی در نظام سیاسی کشور ابزارهای اثرگذاری نظام سیاسی بر گسترش و نهادینه شدن احزاب سیاسی در یک کشور است. بنابراین نهاد انتخابات از شرایط تحقق دموکراسی محسوب می شود و در هر کشور دموکراتیکی باید یک سیستم انتخاباتی همگانی موجود باشد. احزاب به عنوان شکل دهنده و نمایندگی کننده نظرات رأی دهندگان در این راستا می توانند وظیفه های گوناگونی به عهده گیرند. با توجه به نکات فوق سئوالی که این پژوهش در پی پاسخ به آن می باشد این است که " ساختار حقوقی (قانون انتخابات) در ایران چه تأثیری بر شکل گیری و نهادینه شدن احزاب دارد؟"

فرضیه پژوهش ما این است که "در نظام جمهوری اسلامی ساختار حقوقی (قانون انتخابات) موجب تضعیف گسترش و نهادینه شدن احزاب شده است". این فرضیه قرار است در این پژوهش مورد آزمون قرار گیرد بدین جهت فصولی را برای بررسی آن اختصاص داده ایم.

در فصل دوم، عنوانی را با نام کلیاتی پیرامون احزاب سیاسی آورده ایم که راجع به احزاب سیاسی و اهداف و استراتژی های حزبی و انواع احزاب اختصاص دارد. بنابراین احزاب برای اینکه بتوانند در عرصه سیاست فعالیت های قانونی شان مورد تصدیق نظام سیاسی باشد باید اساسنامه ای برای خود تنظیم کنند تا بر اساس آن فعالیت هایی سیاسی شان از طرف عموم مورد توجه قرار گیرد.

فصل سوم، در مورد انتخابات، نظام های انتخاباتی و نظام های حزبی است. در این فصل با تعریف مختصری از انتخابات و چگونگی برگزاری آن در کشورهای دموکراتیک بحث می کنیم و معیارهایی که یک انتخابات آزاد و عادلانه می تواند داشته باشد را ذکر کرده و مهمتر اینکه فعالیت احزاب سیاسی در قبل و بعد از انتخابات را بیان کرده و انواع نظام های انتخاباتی و نظام های حزبی و تأثیراتی که این نظام انتخاباتی در شکل گیری انواع احزاب دارد را تبیین می کنیم. نظام های حزبی و نظام های انتخاباتی هر دو شکل تکامل یافته دیگری اند.

فصل چهارم، فصلی با عنوان الگوی تحلیل است که به تبیین چارچوب نظری مان در قالب نظریه ساختار - کارگزار به بررسی فعالیت احزاب در ساختار حقوقی ایران (قانون اساسی و قانون انتخابات) در دوره جمهوری اسلامی پرداختیم. طبق این نظریه ساختار، قانون انتخابات است و ما می خواهیم حزبی بودن این قانون را با تحلیل آن مورد بررسی قرار دهیم. به عبارت دیگر اولاً احزاب در قانون اساسی و قانون انتخابات چه جایگاهی دارند؟ و از طرف دیگر کارگزاران این عرصه که شامل شورای نگهبان، وزارت کشور و احزاب سیاسی می شوند تا چه اندازه امکان فعالیت احزاب را فراهم کرده اند؟ در فصل پنجم نیز جهت جمع بندی از این موضوع با ارائه تاریخچه مختصری از احزاب سیاسی و انتخابات مجلس در دوره جمهوری اسلامی به مقایسه دو مجلس ششم و هفتم از نظر نقش نظارت استصوابی شورای نگهبان در رد صلاحیت های نمایندگان و فعالیت احزاب و گرایش های سیاسی شان پرداخته ایم. بنابراین با مقایسه دو دوره مجلس ششم و هفتم شورای اسلامی و تحلیل قانون انتخابات، فرضیه خود را که ساختار قانون انتخابات در ایران مانع نهادینه شدن احزاب می شود را به اثبات رساندیم. در نهایت به این نتیجه رسیدیم که به دلیل عدم وجود ساختار و بستر لازم حقوقی و قانونی جهت نقش آفرینی احزاب در کارزار انتخاباتی و به ویژه اعمال نظارت استصوابی از سوی شورای نگهبان در انتخابات مجالس دوره ششم و هفتم فعالیت احزاب به طور متفاوتی ظاهر شد. در انتخابات دوره ششم مجلس، با توجه به شرایط خاص موجود، احزاب به صورت نسبی توانستند نقش فعالی در فرآیند انتخابات داشته باشند. و مشارکت مردمی را به صورت حزبی پوشش دهند ولی در دوره مجلس هفتم به دلیل رد صلاحیت های گسترده کاندیداهای احزاب اصلاح طلب توسط شورای نگهبان بخش مهمی از احزاب مطرح از دور رقابت خارج شدند و از راه یابی به مجلس هفتم بازماندند. در پایان برای برون رفت از این بحران به ارائه راهکارهایی پرداختیم.

فصل اول

کلیات طرح پژوهشی

بیان مسئله

یکی از مؤلفه های توسعه ی سیاسی، رشد و بالندگی احزاب سیاسی در بستر جامعه ی مدنی یک کشور است. در زمینه ی رشد احزاب سیاسی از منظر و جوانب گوناگون می توان بحث کرد. جایگاه احزاب در قانون اساسی، قوانین موضوعه و ساختار حکومتی اعم از نظام انتخاباتی، شکل گیری دولت ها و پارلمان، خود نشان دهنده ی تأثیر پذیری احزاب از حاکمیت و بالعکس، اثر گذاری احزاب بر روند پویایی و یا میرایی یک سیستم سیاسی است.

احزاب و نهادهای مدنی به عنوان رابط میان دولت و ملت یکی از مهمترین ابزارهای توسعه سیاسی و بستر سازان مشارکت سیاسی بشمار می آیند. اگرچه واژه حزب به معنای دسته، گروه و ... از گذشته در ادبیات سیاسی وجود داشته است اما شکل گیری احزاب سیاسی به معنای نوین آن پیامد تحولات سیاسی در غرب بشمار می رود؛ موضوعی که سبب گردید تا برخی از پژوهشگران، احزاب سیاسی را فرزند دمکراسی در غرب بنامند. تکوین انقلاب صنعتی در سالهای آغازین قرن نوزدهم و شکل گیری موج دوم استعمار سبب گردید تا مشرق زمین بطور اعم و ایرانیان بطور اخص با هجوم غرب مواجه گردیده و پس از شکست درحوزه نظامی درصدد نوسازی برآیند، فرایندی که حاصل آن تماس بیشتر نخبگان ایرانی با غرب و تلاش تدریجی آنها برای اخذ دستاوردهای تکنولوژیک و اجتماعی از غرب بویژه نهادهای اجتماعی مانند پارلمان بود. استقرار مشروطیت و تشکیل مجلس در ایران سبب گردید تا بتدریج در فضای سیاسی ایران انجمنهای سیاسی و از زمان مجلس دوم مشروطه احزاب سیاسی بطور مشخص فعالیت خود را آغاز کنند. از آن مقطع تاکنون هر از چندگاهی احزاب سیاسی در ایران فعال گردیده و پس از اندک زمانی بهار فعالیت احزاب به خزان گرائیده است. از اینرو یکی از وجوه بارز تفاوت فعالیت احزاب سیاسی در ایران با غرب، نهادینه نگردیدن فعالیت آنها و فصلی بودن فعالیتشان می باشد. بنظر می رسد عوامل متعددی در این مهم نقش داشته اند که از مهمترین آنها ماهیت رانتیری دولت در ایران و نقش دولتها درتشکیل احزاب و یا مداخله در امور آنها، حاکم بودن رابطه بین احزاب براساس بازی با حاصل جمع صفر و نگاه حذفی احزاب به یکدیگر، نگاه ابزاری نخبگان به احزاب و مهمتر از همه فاصله گیری احزاب از رسالت اصلی خود باشد. ولی علیرغم وجود چنین چالشهایی فراروی فعالیت احزاب در ایران بنظر می رسد وقوع برخی

تحولات در عرصه جهانی مانند جهانی شدن و برخی تحولات داخلی مانند گسترش طبقه متوسط جدید ضرورت سازماندهی مشارکت سیاسی در داخل را براساس یک مهندسی اجتماعی ضروری می نماید؛ واقعیتی که تنها مکانیسم اجرایی آن احزاب و نهادهای مدنی می باشد. بنابراین برای فرار از فعالیت فصلی احزاب باید نقش دولت را محدود کنیم زیرا اتکای دولت به پول نفت او را از داشتن حزبی که در جایگاه نقاد و یا مشاور برنامه های دولت باشد بی نیاز می کند.

اهمیت حضور احزاب در زندگی سیاسی معاصر بر کسی پوشیده نیست. نقشی که امروزه احزاب سیاسی در نظامهای دموکراتیک ایفا می کنند موجب شده است که حجم بالایی از مطالعات و نوشته ها به آن اختصاص یابد و حتی بررسی و پژوهش در مورد احزاب سیاسی، نقش و عملکرد آنها و نتایج فعالیت آنها در صحنه سیاسی و هم چنین نقش دولت به عنوان مؤلفه ای مهم در این مسیر را در جهت تبدیل شدن به شاخه ای خاص در علوم سیاسی هدایت نماید. نظر به چنین اهمیتی ضرورت توجه و پرداختن به این موضوع را در کشور باز می نماید، چرا که حداقل به لحاظ نظری، ایران در زمره نخستین کشورهای قرار داشت که پس از جوامع غربی مباحث قانون گرایی، حقوق مدنی، عدالت اجتماعی، مشارکت و رقابت سیاسی را دنبال نمود و در صدد بر آمد به انحصار و تمرکز منابع قدرت پایان بخشیده و زمینه حضور آرا، اندیشه ها و مواضع و منافع گوناگون را در جامعه و در متن فرایندهای سیاسی فراهم سازد، هرچند این تلاش نتایج عملی بدنبال نداشته است. با این حال لزوم بهره گیری از قابلیت های این نیروی سیاسی در زمینه های مختلف و در جهت تحقق دموکراسی و توسعه سیاسی، جست و جوی علل ناپایداری احزاب سیاسی در ایران را به منظور حذف این عوامل پایدار و کارآمدسازی این نهاد سیاسی را محور تحقیقات و فرضیه سازی های متعددی قرار داده است که در نظر داشته اند راهی برای استفاده از توان و ظرفیت تمام منابع و نیروهای اجتماعی و حضور فعالانه و تأثیرگذار، دیدگاههای سنجیده در تصمیم سازی های عمومی و دیگر فرایندهای سیاسی بگشایند.

یک نظام سیاسی به چند طریق در حوزه ی احزاب می تواند نقش آفرین باشد. قوانین حاکم نظام سیاسی، ساختارها و رویه های حکومتی حاکم در نظام سیاسی کشور ابزارهای اثرگذاری نظام سیاسی بر گسترش و نهادینه شدن احزاب سیاسی در یک کشور است.

بنابراین نهاد انتخابات از شرایط لازم تحقق دموکراسی محسوب می شود و در هر کشور دموکراتیکی باید یک سیستم انتخاباتی همگانی موجود باشد. احزاب سیاسی در این راستا می توانند وظیفه های

گوناگونی به عهده گیرند و مشکلات عدیده ای را برطرف سازند. احزاب به نظر های پراکنده انتخاب شوندگان و در نهایت ساماندهی اهداف انتخابات کمک می کنند. نظام های حزبی و نظام های انتخاباتی دوروی یک سکه اند و هر دو به نحوی شکل تکامل یافته دیگری می باشند. احزاب سیاسی همزمان با آیین نامه های انتخاباتی و پارلمانی پدید آمده اند و توسعه آنها نیز توأمان صورت گرفته است.

اهداف پژوهش

ما در این پژوهش به دنبال یافتن این مسئله هستیم که قوانین اساسی و موضوعه کشور در دوره جمهوری اسلامی تا چه اندازه در گسترش فعالیت احزاب تأثیر داشته است. به عبارت دیگر، ساختار حقوقی و سیاسی یا نظام انتخابات، حیطه فعالیت احزاب و ارتباط بین این دو را چگونه تبیین می کند. در این پژوهش، برآنیم تا فعالیت احزاب سیاسی را در قالب قانون اساسی و قانون انتخابات بررسی کنیم. هدف از انجام این پژوهش رسیدن به این نکته مهم است چرا با وجود اینکه طبق اصل ۲۶ قانون اساسی، فعالیت احزاب و گروههای سیاسی آزاد است در قانون انتخابات اشاره ای به جایگاه احزاب در نظام انتخاباتی نشده است؟ و اینکه احزاب سیاسی در ایران با توجه به قانون انتخابات چگونه می تواند نقشی سالم و سازنده در روند توسعه سیاسی و به تبع آن مبارزات انتخاباتی و حضور در عرصه مدیریتی و قانونگذاری کشور داشته باشد. بنابراین بدین منظور در پایان به مقایسه دو مجلس ششم و هفتم نظر کرده تا فعالیت احزاب سیاسی و گرایشات سیاسی آن ها را بررسی و قانون انتخابات را از نظر حزبی بودن مورد تحلیل قرار دهیم.

مفروضات

ساختار حقوقی (قوانین) نقش مهمی در تحدید یا گسترش فعالیت سیاسی احزاب دارد.

سوال

ساختار حقوقی (قانون انتخابات) در ایران چه تأثیری بر شکل گیری و نهادینه شدن احزاب دارد؟

فرضیه اصلی

در نظام جمهوری اسلامی ساختار قانون انتخابات موجب تضعیف گسترش و نهادینه شدن احزاب شده است.

فرضیه رقیب

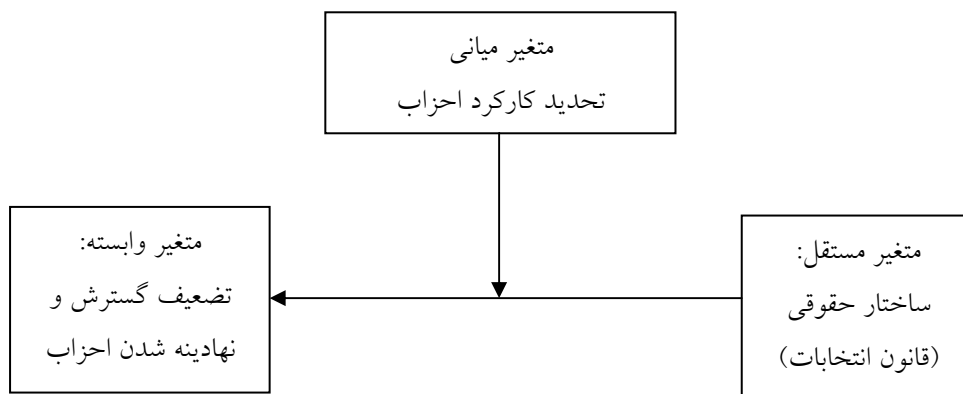
فقدان گسترش و نهادینه شدن احزاب ناشی از فرهنگ سیاسی و مذهبی کنشگران سیاسی و جامعه است.

فرضیات فرعی

- فضای سیاسی - اجتماعی به وجود آمده در انتخابات مجلس ششم علی رغم فراهم نبودن بستر قانونی (قانون انتخابات) و اعمال نظارت استصوابی شورای نگهبان، باعث نقش آفرینی و پویایی نسبی احزاب سیاسی گردید.

- درانتخابات مجلس هفتم رویه های حکومتی حاکم (نظارت استصوابی شورای نگهبان) در کنار موانع قانونی (قانون انتخابات)، ملهم از فضای سیاسی - اجتماعی آن زمان مانع نقش آفرینی و پویایی احزاب سیاسی گردید.

متغیرها



تعاریف مفاهیم

تعریف حزب

واژه ی " party " در انگلیسی یا " parti " در فرانسه بر گرفته از مصدر " partier " به معنای رفتن و قسمت کردن است که معادل فارسی آن را حزب برگزیده اند. کاربرد این واژه در ادبیات سیاسی حتی بر مفهوم " طبقه " نیز تقدم تاریخی دارد و در قرون وسطی " parti " معنایی نظامی داشته و به عده ای اطلاق می شده است که برای رفتن به صحنه نبرد از دیگران مجزا می شده اند و می رفته اند.^۱

البته روشن است که نمی توان صرف وجود بینش مشترک میان گروهی از افراد را مصداقی از حزب دانست قرن هفدهم در فرانسه سرآغازی برای کاربرد این کلمه در قلمرو سیاست به شمار می رود. پارتی از این مقطع برای اشاره به افرادی استفاده می شد که بینش های سیاسی یکسانی داشتند و در مقابل گروهی دیگر گرد هم اجتماع نموده اند. سرانجام با شکل گیری مجالس قانونگذاری در جوامع اروپایی در قرن نوزدهم با معنای دیگری از حزب روبرو می شویم که به تشکل های خاص رقیب در نظام های دموکراسی اطلاق می شد. چنین برداشتی به ویژه با پیوندهایی که امروزه در میان احزاب سیاسی و رژیم های دموکراتیک برقرار می سازند در غالب رویکردها به تعریف نوین از حزب دیده می شود. اینگونه پیوند ها همچنین ما را به تعاریف اصطلاحی حزب نزدیک می سازند به همین دلیل با ظهور احزاب جدید در قالب سازمان ها و تشکل های پایدار سیاسی در میانه قرن نوزدهم به تدریج آثاری به رشته تحریر در آمدند که از چشم اندازها و مواضع نظری متفاوت به مطالعه احزاب و توصیف و توضیح نقش آنها می پرداختند. بلونشلی از نخستین این افراد بود که در کتاب سیاست خود احزاب را نشان قوت زندگی سیاسی معرفی نمود و به رد دیدگاهی پرداخت که وجود احزاب را مایه نفاق و چنددستگی و موجب ضعف و بیماری دولت و جامعه جدید می دانست.^۲

^۱-احمد نقیب زاده، حزب سیاسی و عملکرد آن در جوامع امروز، تهران: نشر دادگستر، ۱۳۷۸، ص ۱۳

^۲-برت میخلز، جامعه شناسی احزاب سیاسی، ترجمه احمد نقیب زاده نشر قومس، ۱۳۸۴، ص ۱۵

گتل در تعریف خود از حزب آورده است "حزب سیاسی مرکب از گروهی از شهروندان کم و بیش سازمان یافته است که به عنوان یک واحد سیاسی عمل می کنند و با استفاده از حق رأی خود می خواهند بر حکومت تسلط پیدا کنند و سیاست های عمومی خود را عملی سازند." ^۱

بشیریه احزاب سیاسی را "شکل خاصی از سازماندهی نیروهای اجتماعی می داند که خود به عنوان سازمان تحت فشار گروهها و علایق اجتماعی مختلف قرار می گیرند" ^۲ توجه به ارتباط احزاب با ساختار و بستر اجتماعی مؤثر بر آن در این تعریف مشهود است.

لاپالامبارا و واینر تعریفی از احزاب جدید به دست می دهند که متضمن چهار شرط اساسی بوده و مورد قبول اکثر نویسندگان قرار گرفته است. این چهار شرط به خوبی ویژگی احزاب جدید و فرق آنها با دیگر تشکل های سیاسی اجتماعی را نشان می دهد:

نخست آنکه حزب مستلزم وجود سازمان و تشکیلات پایداری است که حیات سیاسی آن از حیات بنیانگذاران آن فراتر باشد.

دوم آنکه تشکیلات حزبی دارای سازمانی مستقر در محل همراه با زیر مجموعه هایی باشد که در سطح ملی فعالیت داشته و با یکدیگر روابط منظم و متقابلی داشته باشند.

سوم آنکه اراده رهبران ملی و محلی سازمان بر کسب قدرت استوار باشد و نه بر اعمال نفوذ.

چهارم آنکه حزب باید در پی کسب حمایت عمومی به ویژه از طریق انتخابات باشد.

شرط اول نمایانگر لزوم استقلال حزب از بنیانگذاران آن بوده و به این ترتیب بقاء و تداوم حزب را تضمین می کند. همچنین با تأکید و تمرکز بر سازمان و ساختار تشکیلاتی موجب تمایز احزاب سیاسی از دیگر گروهها و دسته های قدرت طلبی می شود که وابسته به اشخاص هستند. یکی از عناصر و شاخص های مورد توجه در تعاریف و رویکردهای جدید به حزب، عنصر سازمان است. تأکید بر سازمان به عنوان مهمترین مشخصه احزاب سیاسی و نیز مهمترین مؤلفه تعریف کننده حزب در آثار موریس دوورژه، ماکس وبر و به شکلی کاملتر در ربرت میخلز به چشم می خورد. از نگاه میخلز طبقه ای که در مقابل جامعه پرچم ادعاهای مشخص خود را بر می افرازد و بر آن است که

^۱ عبدالرحمن عالم، بنیادهای علم سیاست، تهران: نشرنی، چاپ اول، ۱۳۷۷، ص ۳۴۳

^۲ حسین بشیریه، آموزش دانش سیاسی، تهران: نگاه معاصر، ۱۳۸۵، ص ۱۲۲

مجموعه ای از جهان بینی ها و اندیشه هایی را به تحقق برساند که از عملکردهای اقتصادی آن طبقه نشأت می گیرد، به ناچار نیازمند یک سازمان است.^۱

شرط دوم نشانگر تفاوت احزاب از گروه های پارلمانی است که فاقد تشکیلات مستقر در یک محل و فاقد فعالیت در سطح ملی هستند.

ویژگی بعد ناظر بر مشخصه احزاب دمکراتیک جدید و تفاوت آنها با گروههای بریده از مردم و ویژگی های تروریستی است که به جای تکیه بر رأی مردم به زور متوسل می شوند.

در نهایت شرط چهارم که هدف مستقیم احزاب به شمار می آید و وجه اصلی تمایز میان آنها و گروههای فشار دانسته می شود.

چنانچه به دنبال تعریفی باشیم که بتواند در انطباقی صحیح و اصولی با پیشینه، کارکرد و نقش احزاب و هم چنین پیوندی نزدیک با مجموعه تعاریف مقبول تر موجود مقصود ما را از حزب روشن سازد. به شیوه ای که درک دقیق تری از سایر تشکل های سیاسی مانند سازمان، جبهه، گروه، جمعیت، جنبش، اتحادیه و هیئت کنفدراسیون که بعضاً در معنای مترادف با حزب به کار برده می شوند به نظر می رسد تعریف ذیل تا اندازه ای مفید باشد: "گروهی از افراد که به منظور کسب یا حفظ قدرت سیاسی و تحقق آرمان های ایدئولوژی و اهداف خویش با تشکیل سازمانی گسترده و بسیج آراء عمومی به نفع خویش هستند."

انتخابات

مجموعه عملیاتی است در راستای گزینش فرمانروایان برای مهارکردن قدرت و نیز ابزاری است که به کمک آن اراده شهروندان در شکل گیری نهادهای سیاسی و تعیین متصدیان اعمال اقتدار سیاسی لحاظ خواهد شد. انتخابات مجرای تضارب آراء و افکار متنوع و گوناگون شهروندان است و کمکی است برای رشد آگاهی سیاسی عموم افراد یک جامعه تعریف دیگر از انتخابات "جریان رسمی انتخاب اشخاص برای احراز مقام یا منصب یا مسئولیتی در جامعه"^۲.

^۱- ربرت میخلز، پیشین، ص ۲۳

^۲- آقا بخشی، تعاریف واصطلاحات انتخابات، ص ۲۲۰